

حدود ۹۰ درصد منابع آبی ایران به بخش کشاورزی اختصاص می‌یابد و منابع آب زیرزمینی به تدریج تخلیه می‌شوند. افت سفره‌های آب زیرزمینی در برخی دشت‌ها به میزان یک تا دو متر در سال است و با ادامه الگوی فعلی تا ۲۰ سال آینده نیمی از دشت‌ها غیرقابل کشت خواهند شد.

علیرضا شریعت دبیرکل فدراسیون آب صنعت آب ایران:



علیرضا شریعت دبیرکل فدراسیون آب صنعت آب ایران اظهار کرد:

ایران با میانگین ۲۷۰ میلیمتر بارش سالانه در مقابل ۸۰۰ میلیمتر متوسط جهانی، یکی از خشک‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. عدم تأمین حقایق تالابها منجر به تبدیل این اکوسیستم‌ها به کانون‌های گرد و غبار شده که هزینه‌های اقتصادی و سلامت آن چندین برابر ارزش آب دریغ شده است.

به گزارش اسپادانا خبر، وی ادامه داد:

متأسفانه حدود ۹۰ درصد منابع آبی کشور به بخش کشاورزی اختصاص می‌یابد، درحالی‌که راندمان آبیاری در بسیاری از مناطق کمتر از ۳۵ درصد است. همزمان کشت محصولات پرآب‌بر مانند برنج و یونجه در خشک‌ترین نقاط کشور ادامه دارد. بدین ترتیب اصلاح الگوی کشت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است زیرا تا زمانی که کشاورزان در بالادست تالابها محصولات پرآب‌بر بکارند، تأمین حقایق غیرممکن خواهد بود. در حال حاضر وزارت نیرو بر کمبود آب تأکید می‌کند، وزارت جهاد کشاورزی اهمیت اشتغال روستایی را مطرح می‌سازد و عملکرد سازمان حفاظت محیط زیست محدود به صدور هشدارهای کتبی است. در این میان، تالابها در حال نابودی هستند و منابع آب زیرزمینی نیز به تدریج تخلیه می‌شوند.

شریعت نقش تالابها در معیشت جوامع محلی را تشریح کرد و گفت:

تالابها در اقلیم خشک ایران فراتر از یک اکوسیستم طبیعی، پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع محلی محسوب می‌شوند. این اکوسیستم‌ها منبع مهمی برای تأمین پروتئین از طریق ماهیگیری بوده‌اند علاوه بر این علوفه و مرتع لازم برای دام‌های محلی را فراهم می‌کردند و امکان کشاورزی حاشیه‌ای با استفاده از رطوبت باقیمانده و بدون نیاز به حفر چاه را ممکن می‌ساختند. صنایع دستی مانند نی‌بافی، حصیرسازی و سیدبافی از دیگر مشاغل مرتبط بوده است. نقش تالابها در تنظیم آب و هوای منطقه‌ای و تعدیل دما نیز قابل توجه و در سال‌های اخیر پتانسیل گردشگری این مناطق شامل پرندنگری و ماهیگیری تفریحی نیز مطرح شده است.

وی تبعات مشخص خشک شدن تالابها را با اشاره به نمونه‌های هامون، تالاب شادگان و بختگان توضیح داد و گفت:

در تالاب هامون، قبل از خشک شدن حدود ۱۵ هزار شغل مستقیم در بخش ماهیگیری و ۵۰ تا ۶۰ هزار شغل غیرمستقیم وجود داشت که ترکیبی از خشکسالی و احداث سد‌های افغانستان منجر به نابودی کامل آن شد. جایگزین‌های شغلی عمدتاً کارگری فصلی، قاچاق سوخت و مهاجرت است. طوفان‌های گرد و غبار بیش از ۱۲۰ روز در سال، زندگی در این منطقه را بسیار دشوار کرده است. در تالاب شادگان و هورالعظیم، برداشت بی‌رویه آب برای کشت نیشکر منجر به خشک شدن و از بین رفتن

مشاغل مرتبط با پرورش ماهی و میگو، کشت برنج حاشیه‌ای و گاومیش‌داری شد. تالاب بختگان در استان فارس نیز به طور کامل خشک شده و گرد و غبار آن تا شیراز گسترش یافته است. جایگزین‌های شغلی عمدتاً مهاجرت و کار در بخش خدمات شهری هستند که معمولاً نه پایدار هستند، نه کرامت لازم را دارند و نه درآمد کافی تأمین می‌کنند.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا سیاستگذاران ارزش اقتصادی تالابها را در محاسبات خود در نظر گرفته‌اند؟ اظهار کرد:

متأسفانه در سیاست‌گذاری کشور، ارزش اقتصادی خدمات اکوسیستمی تالابها به طور سیستماتیک در محاسبات لحاظ نمی‌شود. مدل‌های اقتصادی سنتی تنها تولیدات ملموس را محاسبه می‌کنند، در حالی که خدمات اکوسیستمی نظیر تصفیه طبیعی آب، تنظیم اقلیم منطقه‌ای و کنترل سیلاب در GDP منعکس نمی‌شوند.

دبیرکل فدراسیون آب صنعت آب افزود:

هزینه‌های ناشی از گرد و غبار حاصل از خشکی تالابها شامل هزینه‌های سلامت، کاهش بهره‌وری و آسیب به تجهیزات سالانه چندین میلیارد دلار تخمین زده می‌شود اما در تصمیم‌گیری درباره تخصیص آب در نظر گرفته نمی‌شوند. خدمات نادیده گرفته شده دیگر شامل تصفیه طبیعی آب، کنترل گرد و غبار، پتانسیل گردشگری و حفظ تنوع زیستی است.

وی به تأثیر احیای تالابها در عراق و افزایش چشمگیر جذب گردشگر اشاره کرد و با تأکید بر ظرفیت تالابهای ایران گفت:

تالابهای عراق پس از احیای نسبی، سالانه حدود ۵۰۰ هزار گردشگر جذب می‌کنند. آبریز پروری پایدار، احیای صنایع دستی با بازاریابی مناسب و ایجاد خدمات زیست‌محیطی شامل نگهداری، پایش و بازسازی نیز فرصت‌های شغلی مناسبی هستند. اکوتوریسم شامل پرندنگری، بوم‌گردی و تورهای عکاسی طبیعت یکی از فرصت‌های قابل‌اجرای کوتاه‌مدت است. در ایران، تالاب انزلی با وجود مشکلات آلودگی همچنان پتانسیل گردشگری دارد، تالاب میانکاله پتانسیل بالایی برای اکوتوریسم دارد و در تالاب میقان اراک پروژه‌هایی برای احیا در حال اجراست. فقدان سرمایه‌گذاری کافی، زیرساخت‌های گردشگری و مهم‌تر از همه نبود تالابهای زنده و سالم، مانع اصلی استفاده از این ظرفیت‌هاست.

دبیر کل فدراسیون آب صنعت آب درباره الگوی کشت فعلی در حوضه‌های آبریز تالابها نیز گفت:

الگوی کشت فعلی در حوضه‌های آبریز تالابها به هیچ‌وجه پایدار نیست. افت سفره‌های آب زیرزمینی در برخی دشت‌ها به میزان یک تا دو متر در سال، فرآیندی غیرقابل بازگشت است. مصرف آب در کشت محصولات پرآب‌بر در مناطق نامناسب، تغییرات اقلیمی و بی‌توجهی به تأمین حقایق تالابها، مشکل را تشدید کرده است.

به گفته وی تخمین‌ها نشان می‌دهد در صورت ادامه الگوی فعلی تا ۲۰ سال آینده نیمی از دشت‌های کشور غیرقابل کشت خواهند شد.

دبیر کل فدراسیون آب صنعت آب اضافه کرد:

شکست برنامه‌های اصلاح الگوی کشت ریشه در عوامل متعددی دارد. بی‌اعتمادی عمیق کشاورزان به وعده‌های دولتی ناشی از تجربیات ناموفق گذشته، تناقض در سیاست‌ها مانند خرید تضمینی برنج در حالی که دولت توصیه به عدم کشت آن می‌کند، مجانی بودن برق چاه‌ها و ادامه یارانه کود برای محصولات پرآب‌بر از مهم‌ترین موانع است همچنین ضعف اجرایی وزارت جهاد کشاورزی، نفوذ سیاسی برخی زمین‌داران بزرگ و صنایع غذایی، فقدان بازار مشخص برای محصولات جایگزین و عدم هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف نیز بر این مشکل افزوده است.

وی درباره راهکارهای کاربردی برای تغییر الگوی کشت گفت:

پرداخت مستقیم برای خدمات اکوسیستمی از مؤثرترین مکانیزم‌هاست که در آن کشاورزان متعهد می‌شوند درصدی از حقایق خود را مصرف نکنند و در مقابل، دولت به صورت مستقیم به آن‌ها پرداخت می‌کند. این قراردادها باید بلندمدت و با تضمین بوده‌ای باشند و نیازمند سیستم نظارتی مبتنی بر سنجش از دور ماهواره‌ای هستند. مکانیزم بانک آب که در آن کشاورزان حقایق قانونی خود را به دولت یا صندوق تالاب می‌فروشند نیز برای تغییر الگوی کشت مؤثر است. حمایت جدی از محصولات کم‌آب‌بر مانند زعفران، پسته، گیاهان دارویی و حبوبات از طریق خرید تضمینی با قیمت رقابتی، یارانه نهاد، بیمه محصول و دسترسی به بازارهای صادراتی ضروری است. ارائه تسهیلات ارزان‌قیمت برای نوسازی سیستم‌های آبیاری، ایجاد مزارع نمایشی موفق و آموزش توسط کشاورزان موفق نیز می‌تواند اثربخش باشد.

به گفته شریعت اصلاح سیاست‌های موجود شامل حذف تدریجی خرید تضمینی برنج در مناطق نامناسب، افزایش قیمت برق چاه‌های کشاورزی، قیمت‌گذاری واقعی آب و تمرکز یارانه‌ها بر محصولات کم‌آب‌بر ضروری است. ایجاد مشاغل جایگزین در زمینه گردشگری روستایی، صنایع دستی و خدمات زیست‌محیطی نیز می‌تواند به کاهش وابستگی به کشاورزی سنتی کمک کند.

وی در ادامه به پرسشی درباره پیامدهای خشک شدن تالابها در مناطق مرزی نیز اشاره کرد و گفت:

در مناطق مرزی مانند سیستان، خشک شدن تالابها پیامدهای امنیتی جدی دارد که مهاجرت و افزایش قاچاق و تنش با کشورهای همسایه از جمله آن است. فقر شدید، افزایش آسیب‌های اجتماعی و وقوع بیش از ۱۲۰ روز طوفان گرد و غبار در سال منجر به افزایش بیماری‌های تنفسی شده است. در مناطق مرکزی مانند گاوخونی و بختگان، گرد و غبار تا شهرهای بزرگ گسترش یافته و بر صنعت گردشگری تأثیر منفی گذاشته است. هزینه‌های سلامت شهری افزایش یافته و کیفیت زندگی به قدری کاهش یافته که منجر به مهاجرت نخبگان شده است. اعتراضات پراکنده، تضاد بین شهرنشینان و روستاییان و کاهش اعتماد عمومی از پیامدهای اجتماعی این وضعیت است.

دبیرکل فدراسیون آب صنعت آب روش‌های بازگرداندن اعتماد و مشارکت مؤثر جوامع محلی در برنامه احیای تالابها را نیز برشمرد و گفت:

بازگرداندن اعتماد جوامع محلی نیازمند شفافیت کامل در انتشار داده‌های واقعی منابع آب، پخش عمومی جلسات تصمیم‌گیری و پاسخگویی به انتقادات است. مشارکت باید واقعی باشد، به این معنا که شوراهای محلی قدرت رأی‌گیری داشته باشند، بخشی از بودجه را خود مردم تخصیص دهند و نه منصوب دولتی و نمایندگان توسط مردم انتخاب شوند. از سوی دیگر شروع با پروژه‌های کوچک اما قطعی و سریع‌الاجرا می‌تواند اعتماد اولیه را بازسازی کند و ارائه تضمین‌های قانونی از طریق قراردادهای قابل اجرا، تأسیس صندوق ضمانت مستقل و بیمه اجرای تعهدات دولتی نیز ضروری است. توزیع عادلانه منافع به گونه‌ای که اولویت استخدام با جوانان محلی باشد، بازگشت مستقیم درآمد گردشگری به روستاها و در نظر گرفتن سهام تعاونی‌های محلی در پروژه‌ها نیز می‌تواند انگیزه مشارکت را افزایش دهد. احترام به دانش بومی و ترکیب آن با علم مدرن، پیگیری مستمر، گزارش‌دهی منظم به مردم و اصلاح برنامه‌ها بر اساس بازخورد نیز از الزامات موفقیت است.

منبع | ایسنا

برچسب‌ها: [بحران آب](#) [1]

[محیط زیست](#) [2]